



مهر خرمن، ماهان کرمان، نقش روی دسته‌ی مهر با نوشته یا علی

## نقش افسانه‌ها

هر دوره‌ی اعتقادی جدید با قرائت و باز تفسیر آموزه‌ها و اصول اعتقادی کهن توأم است. این قرائت نو، تنها به اصول و ارزش‌هایی محدود نمی‌ماند که گروه مردم به آن معتقدند بلکه هر دوره‌ی نو، قهرمانان جدید خود را نیز در ذهن و اندیشه‌ی توده می‌پرورد. افسانه‌های عامیانه نیز از این قاعده کلی مستثنی نیستند.

مروری بر افسانه‌های قومی جهان و از جمله افسانه‌های اقوام ایرانی این قاعده را به نیکی منعکس می‌سازد. نگاهی ژرف کاوانه به افسانه‌های ایرانی نشان می‌دهد که چگونه با تحول و تکامل اندیشه‌ی مردم و دگرگونی ساختار زندگی اجتماعی و اعتقادی آنان قهرمان توتمی (totemic) از صورت یک روح محافظ (guardian spirit) به صورت یک قهرمان فرهنگی - دینی (Cultural-religious hero) تغییر چهره می‌دهد. این تحول در افسانه‌های قومی (folk tales) ایران به دو صورت ظاهر می‌شود: تحول در سیمای یاور - قهرمان و تغییر سیمای قهرمانان فرهنگی - دینی.

دربرداشتی مورفولوژیک بر پایه‌ی خویشکاری (function) عناصر داستانی، یاور - قهرمان، رخساره (type) ای است که قهرمان را در بزنگاه حادثه یاری می‌دهد. البته این خویشکاری به صورت‌های مختلف خود را جلوه‌گر می‌سازد. یاور - قهرمان مانع از شکستن «تابو» (taboo) از سوی قهرمان افسانه می‌شود، او حافظ جان قهرمان است، و وی را در دستیابی به کامیابی و پیروزی یاری می‌دهد. در افسانه‌های متقدم یاور - قهرمانان اغلب عناصری جادویی‌اند و آنها را می‌توان همان رخساره‌های مربوط به قصه‌های پریان (tale-magic) دانست. برای مثال در مجموعه‌ی قصه‌های کتاب دو جلدی «افسانه‌ی زندگان»، عناصر و جانوران نیک‌کنش و مقدس دریایی، بری، بحری و جادویی در صورت‌های توتمی خود یاور - قهرمانانی‌اند که با استفاده از قدرت جادویی خویش نگاهبان قهرمان از آسیب، مرگ، گناه، لغزش و شکستند. اما در قصه‌های پسین‌تر که برآیند تحول اعتقادی مردم است، این عناصر تبدیل به یاور - قهرمانان فرهنگی - دینی می‌شوند. خاستگاه این

است که تابوی ازدواج با محارم در قصه‌های عامیانه‌ی قدیمی‌تر به یاری عنصر توتمی حفظ می‌شود. یا در رخساره‌های دیگر، قهرمان داستان راه پیروزی و افزار فتح را در قصه‌های قدیمی‌تر به کمک جادو، و در قصه‌های نو به یاری عناصر دینی کسب می‌نماید. برای مثال در قصه‌های گیلکی «نقره علی بک» و «قنبر و علی» قهرمان قصه با کلمه‌ی اله اکبر و شمشیری که امیرالمؤمنین (ع) به او داده است، لشکر دشمنان را از میان برمی‌دارد. بدیهی است که در نظرگاه افسانه‌سرا (و در واقع مردم که راویان افسانه‌اند) عنصر دین و اعتقاد به آن جانشین اعتقاد به جادو در صورت توتمی یا ناتورالیستی آن شده است. در این چشم‌انداز یاور - قهرمان فرهنگی - دینی بر جای یاور - قهرمان توتمی و طبیعت‌زاد می‌نشیند.

کاهش یا افزایش عناصر قصه‌های عامیانه از یک دوره‌ی اعتقادی به دوره‌ای نو، امری طبیعی و خاص همه‌ی افسانه‌های دنیاست. بخشی از این تغییر در حضور قهرمان فرهنگی - دینی به عنوان بنیان بخش صورت‌هایی از طبیعت، اقلیم بومی و فرهنگ ظهور می‌یابد. نمونه‌هایی از این قصه‌ها را به ویژه در مجموعه‌ی افسانه‌های شادروان انجوی شیرازی می‌توان مشاهده نمود. برای مثال در قصه‌های عامیانه‌ای که وی گردآورده است، چمن زار شدن منطقه‌ی دودانگه به

رخساره (type) در قصه‌های محلی دیگر تنها باورداشت‌های برآمده از فرهنگ شفاهی نیست، بلکه باورها و اعتقادات دینی نیز در پیدایی رخساره‌های قهرمانی مؤثر واقع می‌گردند. شاید قصه‌ی «ماه پیشانی» و قصه‌ی «گل خندان» دو نمونه‌ی خوب از قصه‌های عامیانه‌ای باشند که به نیکی تحول رخساره‌های داستانی را در عبور از دوره‌های اعتقادی مختلف پدیدار نمایند. در برخی از روایت‌های متقدم افسانه‌ی «ماه پیشانی»، قهرمان افسانه از سوی یک یاور - قهرمان توتمی که به صورت روح محافظ (guardian spirit) ظاهر می‌شود، یاری و یآوری می‌بیند. اما در قصه‌ی پسین‌تر که بی‌شک ساختار اعتقادی نور را منعکس می‌دارد این حضرت زهرا (س) است که قهرمان داستان را یاری می‌دهد و از همین گونه است قصه‌ی «گل خندان» (نام دیگر این روایت در قصه‌های گیلکی «شیرین بوشو، شیرین بیا» است) که در صورت‌های پسین قصه‌ی مزبور این حضرت فاطمه زهرا (س) و دو پسر وی حضرت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌باشند که به دختر نیروی شگفت‌آور اشک‌های مروارید گون، لبخند گل‌آسا و قدم‌هایی از خشت‌های طلا و نقره را می‌بخشند. با نگاهی به مجموعه‌ی قصه‌های مورد بحث در می‌یابیم که «یاور - قهرمان»، قهرمان را زنده نگاه می‌دارد، به وی سلاح فتح می‌بخشد، او را در حفظ پاکدامنی‌اش یاری می‌دهد، بر دشمنان حسودش چیره می‌سازد، از شمار مصایبش می‌کاهد و... در قصه‌های متقدم (قصه‌های پریان و...) تابویی که قهرمان از شکستن آن نهي می‌شود، اغلب دارای بنیادی جادویی است، اما در قصه‌های پسین‌تر «حرمت» مزبور به صورتی دینی تغییر شکل داده و یا توجیه‌ای مذهبی می‌یابد. برای مثال در یک قصه‌ی گیلکی، قهرمان فرهنگی - دینی مانع از آمیزش و ازدواج دختر و پدری می‌گردد که نادانسته و نشناخته به یکدیگر دل داده‌اند. صورت مکتوب این قصه‌ی عامیانه را در ناسخ التواریخ (اخبار آن حضرت از اخبار غیب) به صورت منع ازدواج مادر و پسر باز می‌یابیم (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۸۳ هـ. ق، ص ۴۲). این درحالی

نگاهی ژرف کاوانه به افسانه‌های ایرانی نشان می‌دهد که چگونه با تحول و تکامل اندیشه‌ی مردم و دگرگونی ساختار زندگی اجتماعی و اعتقادی آنان قهرمان توتمی از صورت یک روح محافظ به صورت یک قهرمان فرهنگی - دینی تغییر چهره می‌دهد



▲ مهرخرمن، ماهان کرمان با نوشته خزر (خضر) نبی الله

O علیرضا حسن زاده  
عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی

# در امتزاج دو فرهنگ

زورآزمایی امام علی (ع) و رستم، و آشنایی و ارادت رستم به امیرالمؤمنین (ع) در آن جایگاه باز می‌گردد (انجوی شیرازی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۹ و ۱۰۸) و یا در این باره می‌توان به بنیاد پیدایی منطقه‌ی «هزار جریب» اشاره داشت (انجوی شیرازی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۵ و ۱۱۴). اما قهرمان فرهنگی - دینی تنها به صورت‌های اقلیمی و طبیعی حیات نمی‌بخشد بلکه برخی از کارکردها و خویشکاری‌های وی آنچنان که از نامش پیداست، صورت بخشیدن به رخساره‌های فرهنگی، اندیشگی و معنوی است. این واقعیت برای مثال در راهنمایی فردوسی از سوی امام علی (ع) و بخشیدن نیروی شگفت‌آور شاعری به وی در فرهنگ عامه نمود می‌یابد (انجوی شیرازی، ۱۳۶۴، ص ۱۱ و ۱۰) فردوسی را توده‌ی مردم نظر کرده‌ی حضرت علی (ع) می‌دانند و معتقدند او به یاری و کمک امام علی (ع) قدرت شاعری یافت. این امر تنها منسوب به شاعری چون فردوسی نیست و برای شاعران دیگری چون حافظ، (همایونفرخ، حافظ خراباتی، ص ۱۰۸) امیری پازاوری و... نیز داستان‌هایی از این گونه در نزد مردم وجود دارد. به این ترتیب رخساره‌های قومی (ملی) - فرهنگی در دوره‌ی اسلامی، چون بنیادهای طبیعی و اقلیمی در نظر توده‌ی مردم، درهم آمیزی با رخساره‌های دینی صورتی کامل و بایسته می‌یابند. در این فرآیند نقش افسانه در امتزاج دو فرهنگ ما قبل اسلامی و اسلامی کاملاً پدیدار و مشخص است و تحول اعتقادی مردم در آن جلوه و ظهوری کامل دارد. کارکرد افسانه را در این منظر باید با کارکرد تاریخ‌هایی که مورخین عصر اسلامی چون طبری، یعقوبی و... نوشتند و در آن تاریخ اساطیری و دینی را به هم آمیختند، مقایسه کرد (مسکوب، ۱۳۷۴، ص ۸۱). در این باره باز می‌توان به مجموعه‌ی گرانسنگ انجوی شیرازی مراجعه نمود. در این قصه‌ها حضرت علی (ع) با بستن شالی بر کمر «رستم»، وی را «کمر بسته» خویش می‌سازد. (انجوی شیرازی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۰) و رستم به این طریق شکست‌ناپذیر می‌گردد. در قصه‌های آذربایجان کور اوغلو نیز نظر کرده‌ی شاه‌مردان است (رییس نیا، ۱۳۷۷، ص

## کارکرد واحد در افسانه و آیین

عمده‌ترین قهرمانان فرهنگی - دینی و یا یاور - قهرمانان فرهنگی - دینی در قصه‌ها و فرهنگ شفاهی مردم ایران امام علی (ع)، حضرت محمد (ص)، امام رضا (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن و حسین (ع)، امام زمان (عج) و برخی چهره‌های دیگر چون حضرت سلیمان و خضر هستند، در عین حال در هر یک از مناطق ایران نیز می‌توان امامزادگانی را که به صورت یک قهرمان فرهنگی - دینی در افسانه و آیین‌های مردم ایران ظاهر می‌شوند، ملاحظه نمود. برای مثال در گیلان شاهزاده ابراهیم، شاهزاده سیدجلال‌الدین اشرف و امامزاده حنفیه از شمار قهرمانان فرهنگی - دینی در باورهای مردمان، عمده‌ترین کارکردها و خویشکاری‌هایی که برای رخساره‌های مزبور در قصه‌های عامیانه می‌توان برشمرد از این شمار است: ۱. حفظ فرد، حمایت و کمک به عنصر مظلوم یا صاحب حق. این کارکرد را برای نمونه در قصه‌ی «گل خندان» به صورت حمایت حضرت فاطمه (س) و امام حسن و حسین (ع)، از دختر مظلوم و تهی‌دست افسانه می‌توان مشاهده نمود. آیین‌هایی چون «غلامانه» نیز صورت آیینی این اعتقاد را در بردارد. ۲. صورت بخشیدن به بنیادهای طبیعی و اقلیمی: ریشه بسیاری از صورت‌های طبیعی، اهورایی و زیبایی جغرافیای بومی در افسانه‌های مردم به حضور یکی از قهرمانان فرهنگی - دینی ریشه می‌رساند. برای مثال در قصه‌های عامیانه و باورهای مردم گل محمدی از عرق روی حضرت محمد (ص) رویده است. چشمه‌ها و یا قدمگاه‌های مقدسی که به امامان یا امامزادگان نسبت داده می‌شود و قداست دارد، چون «تبرک چشم» در شاهزاده ابراهیم، نمونه‌هایی از مکان‌های آیینی، با کارکرد مذکور است. ۳. بخشیدن نیروی رزم‌آوری، پهلوانی و فتح: در این زمینه می‌توان به حمایت قهرمانان فرهنگی - دینی از پهلوانان یا قهرمان محق و مظلوم افسانه اشاره داشت. چگونگی روین تنی پوریای ولی (ن.ک. شاملو،

کوچه، حرف الف، دفتر سوم) حمایت از کوراوغلو و یا بخشیدن شمشیر دشمن ستوه به نقره‌علی‌بک در قصه‌های گیلکی مثال‌هایی در این باره است. در ورزش پهلوانی و آیین‌های مربوط به زورخانه پهلوان قدرت پهلوانی و رزم‌آوری را از امام علی (ع) می‌طلبند. ۴. برکت بخشی: قهرمان فرهنگی - دینی موجب برکت زندگی مردم می‌شود. ریشه داستانی پربرکت بودن منطقه گیلان و مازندران که به داستان تکاندن سفره‌ی امام علی (ع) در منطقه نار می‌گردد مثالی از این کارکرد در افسانه است. برای صورت آیینی این کارکرد و خویشکاری می‌توان به کارکرد مهرخرمن و یا نمک خضر در آیین‌های مردم ایران اشاره داشت. ۵. شرح یک آموزه: قهرمان فرهنگی - دینی بخشی از ارزش‌ها و آموزه‌های دینی را با زبانی شیوا و مردم فهم بیان می‌دارد. در این باره می‌توان به قصه‌ی «عروسی با ازدها» در کتاب افسانه‌ی زندگانی اشاره داشت که در قصه‌ی مزبور حضرت محمد (ص) برای قهرمان افسانه گره از رازهای نامکشوف و غیرقابل فهم می‌گشاید.

شاید بتوان نموداری را که ارائه می‌شود دربردارنده‌ی خویشکاری‌های گوناگون قهرمانان فرهنگی - دینی در فرهنگ عامه‌ی مردم ایران (آیین و افسانه) دانست:

## امام علی (ع) در باورها و قصه‌های عامیانه‌ی ایران

مهم‌ترین یاور - قهرمان و قهرمان فرهنگی - دینی افسانه‌های مردم ایران پس از اسلام حضرت علی (ع) است. در قصه‌های مزبور که به دلیل قوت باورهای دینی در آن ویژگی‌های جادویی قصه‌های پریان کاستی می‌یابد. برآورده شدن آرزوها و خواست‌های قهرمانان مردم کیش با یاری، محبت و همراهی امام علی (ع) روی می‌دهد. امام علی (ع) در نگاه مردم الگوی کامل پهلوانی، رزم‌آوری، معصومیت و مردم دوستی است. از این روی افسانه سرایان در قصه‌های عامیانه نیز او را حامی قهرمانان قومی، فرهنگی و رزم‌آزمای خویش

می‌سازند. قهرمانان فرهنگی - ملی ایران چون فردوسی، حافظ و قهرمانان فرهنگی - (قومی) محلی ایران چون امیری پازاوری قدرت برین سرایش خویش را از یاری امام علی (ع) کسب می‌نمایند. پهلوانان حماسی ایران نیز چون رستم و بهادران محلی ایران چون کوراوغلو، قدرت رزم‌آزمایی خویش را از توجه او به کف آورده‌اند. در افسانه‌های مردم از سوی دیگر رخساره‌های اهورایی و یا زیبایی طبیعت به وجود پرخیر امام علی (ع) بنیاد می‌رسانند. آنچنان که گیلانیان و مازندرانیان برکت سرزمین خود را از تکاندن سفرنامه‌ی مرتضی علی بر خاک خویش می‌دانند. مردم کیشی، خداجویی و پهلوانی سه ویژگی است که ایرانیان همواره پهلوانان بزرگ خود را به آن منسوب کرده‌اند و این سه را در وجود امام علی به عنوان مردی خدایی، متبلور و جلوه‌گر می‌یابند. تصویر امام علی در فراز دیوارهای زورخانه که ورزش مقدس ایرانیان است و در آن پهلوانان به هنگام آزمون تن و روح خویش از وی مدد می‌طلبند، نمونه‌ای برای نشان دادن این گرایش و باور است. نام امام علی (ع) حافظ جان فرد و خانواده‌ی اوست، در نزد توده‌ی مردم لوح منقش به نام امام علی (ع) و «حضرت محمد (ص)، حضرت فاطمه (س) و امام حسن و حسین(ع)» که بر درگاه خانه قرار می‌دهند، حافظ خانه و اهل آن است.

(شاملو، کوچه، ص ۸۳) و در عین حال در گذشته پیش از خواب مردم این شعر را می‌خواندند که خود به اعتقاد مزبور ریشه می‌رساند:

سر نهادم بر زمین، پهلو نهادم بر زمین  
کسی نیاید بالای سرم جز امیرالمؤمنین  
الیه اعتقاد مزبور همچنان که گفته شد درباره‌ی سایر قهرمانان فرهنگی - دینی ایران نیز صادق است.

می‌کنم رانندگی دارم توکل بر خدا  
از بلا محفوظ مانم همت شاه رضا  
ای خدا محفوظدار این گردش گردنده را  
اولش جان مسافر، دومش راننده را  
(شاملو، کوچه، ص ۸۲۰)

در باورهای عامیانه سر سبزی و برکت خیزی مازندران به خاطر آن است که امام علی سقره‌ی خود را بر این خطه تکانده است (هدایت، نیرنگستان، ص ۱۶۶) این اعتقاد در مورد گیلان نیز وجود دارد.

مردم حضرت علی (ع) را مشکل‌گشای خود می‌دانند: «اگر دست علی دست خدا نیست، چرا دست دگر مشکل گشا نیست.» (شاملو، کوچه‌ی حرف اول، دفتر اول) - (ص ۷۰۸) در برخی از روایت‌های «آجیل مشکل‌گشا» این امام علی (ع) است که قهرمان مظلوم

داستان را یاری می‌دهد. نماز ختم امیرالمؤمنین نیز برای رفع حاجت خوانده می‌شود (شاملو، کوچه، ص ۸۸۳) البته باید توجه داشت که در فرهنگ زرتشتی نیز قصه‌هایی از این‌گونه دیده می‌شود (تفرشی، آجیل چهارشنبه).

### تفاوت‌های موجود در کارکرد قهرمانان فرهنگی - دینی

در میان سه‌گونه از قهرمانان فرهنگی - دینی که از آنان سخن رفت، قصه‌ی امامزادگان اغلب مربوط به حوزه‌ی فرهنگی یا محلی خاص بوده و شکلی همه‌گیر ندارد، هرچند ساختار روایی قصه‌های دیگر ایران گاه با شخصیت آنها تطبیق داده شده است، برای مثال در روایت‌های تالشی قصه شهادت یحیای پیامبر با امامزاده عیسی یا امامزاده ابراهیم منطبق شده است. حضرت خضر و حضرت سلیمان نیز در قصه‌ها به صورت یاور - قهرمان ظاهر می‌شوند، اما قصه‌های مزبور نیز از یک‌سوی به تعدد قصه‌هایی که در آن شخصیت‌های اسلامی وجود دارد نیست و از سوی دیگر حضور یاری‌دهنده‌ی آنان نیز به قوت و قدرت شخصیت‌های اسلامی نمی‌باشد. مهم‌ترین گروه قهرمانان فرهنگی - دینی همان‌گونه که گفته شد

قهرمانان فرهنگی - دینی	کارکردها	نمونه‌های افسانه‌ای و آیینی
الف: ۱. حضرت محمد(ص). امام علی(ع). امام حسن و حسین(ع). حضرت فاطمه(س). امام رضا(ع). امام زمان(عج)	حمایت از عنصر مظلوم، محق و معتقد و حفظ او	حمایت حضرت فاطمه (س) و امام حسن و حسین (ع) از دختر ماهیگیر فقیر (قصه گل خندان - روایت گیلکی) تمسک به امامان و اولیا برای حفظ فرزند (آیین غلامانه که در آن فرد فرزند خود را غلام یکی از امامان قرار می‌دهد: غلامعلی، غلامحسن و...)
ب. ۲. امامزادگانی چون: سیدجلال‌الدین اشرف، محمد حنفیه، شاهزاده ابراهیم و...	صورت بخشیدن به بنیادهای طبیعی و اقلیمی	صورت یافتن روستای «لاسک» از سوی امام علی و حفظ روستا از سوی وی (قصه‌ی تالشی) آشامیدن آب «تبرک چشم» در آیین‌های مردم گیلان در امامزاده ابراهیم
ج: ۳. حضرت خضر، حضرت سلیمان	بخشیدن توانایی رزم‌آوری و پهلوانی	قصه رویین تنی پوریای ولی و کمر بسته شدن وی از سوی امام علی (ع) و مسلح شدن نقره علی‌بک در قصه‌های گیلکی یاری جستن از امام علی(ع) در ورزش‌های پهلوانی و آیین‌های زورخانه، بستن سربندهایی با نام‌های مقدس در میدان نبرد و جنگ
	برکت بخشی	بنیاد داستانی پربرکت بودن گیلان و مازندران که به سفر امام علی (ع) به منطقه باز می‌گردد؟ کارکرد مهر خرمن و یا نمک خضر در آیین‌های مردم ایران
	برآوردن آرزو و نیت	کمک امام رضا (ع) به دختری که امام علی (ع) را از عمق قلب دوست می‌داشت (قصه‌ی عشق علی - روایت گیلکی) گستردن سفره‌ی مرتضی علی و یا ختم امیرالمؤمنین و متوسل شدن به امامزادگان برای مثال بازنمایی شهادت امامزاده حنفیه به قصد شفا
	شرح یک آموزه	«عروسی ازدها» راز گشایی حضرت محمد(ص) در قصه - شرح یک راز سوی امام علی (ع) در قصه‌ی گیلکی «تقاص کار بد» در نمایش آیینی - دینی تعزیه آموزه‌های تشیع شرح داده می‌شود

شامل امام علی (ع)، امام حسن و حسین (ع)، حضرت محمد (ص) و حضرت فاطمه زهرا (س) می‌شود. بدیهی است که اعتقاد مردم به شخصیت‌های والای اسلامی منجر به شکل‌گیری فرآیند «جان‌شینی» در ساختار قصه‌های عامیانه گشته است. به این تعبیر که با ارتقای اعتقادی مردم و تشریف آنان به دین اسلام، مردان و زنان برجسته این دین در شکل قهرمانان و منجیان مردم در قصه‌ها و روایت‌های عامیانه نیز ظاهر شدند. قهرمانان فرهنگی - دینی در این چشم‌انداز برآورده‌ی همه کارکردهای مورد اشاره در این مقاله‌اند. برای مثال در ثبت و ضبط شاملو از اعتقاد و باورهای مربوط به حضرت ابوالفضل به خوبی موارد مزبور را باز می‌یابیم: «شیعیان در موارد بسیار به یکی از نام‌ها یا القاب او سوگند می‌خورند، در اثبات بی‌گناهی خویش هفت قدم به سوی او می‌روند، دشمنان خود را به شمشیر برهنه‌ی او حواله می‌دهند، سوگند به دو دست بریده‌ی او را سوگندی سخت مجاب‌کننده می‌شمارند زیرا معتقدند چنین سوگندی به دروغ، هرگز بی‌کیفر نمی‌ماند، چرا که شمشیر او دروغگویان را از کمر به دو نیم می‌کند. رباعی‌ها و تک بیت‌های بسیار در اظهار ارادت یا ابراز ایمان و اعتقاد خود نسبت بدو ساخته‌اند که از آن جمله است:

... ای ماه بنی هاشم، شمع شهداء عباس!  
 ای نور دل حیدر، خورشید لقاء عباس!  
 با محنت و درد و غم، ما رو به تو آوردیم  
 دست من محزون گیر از بهر خدا، عباس!  
 عباس علی سردار، ای شاه علم بردار،  
 این غم که تو می‌دانی از روی دلم بردار!  
 (شاملو، کوچه، ص ۷۲)

در سفره‌ی حضرت ابوالفضل قصه‌ای روایت می‌شود که در آن دختر مظلوم با انداختن سفره‌ی ابوالفضل به آرزوی خود می‌رسد (شاملو، کوچه ۸۶ تا ۸۰) اشیای آیینی نیز به قهرمانان فرهنگی - دینی مربوط می‌شوند چون پنجه (دو دست بریده‌ی حضرت ابوالفضل) که نماد حقیقت و راستی است و مردم به آن قسم می‌خورند. «علامت دست را در سقاخانه‌ها و بر سر علم‌ها و پرچم‌های مذهبی قرار می‌دهند، به عنوان اشاره‌ای بر مردانگی، جانبازی در راه حقیقت و از خود گذشتگی در راه مظلومان و ضعیفان» (شاملو، کوچه، ص ۷۴) درباره‌ی نمونه‌ی دیگری برای این سخن می‌توان به «نمک» در نزد ماهیگیران بوشهری (بندرستمی) اشاره نمود، که نماد

برکت و روزی است.

### مردم «قهرمان فرهنگی» برآیند تحول اعتقادی

بی‌شک هر دوره‌ی اجتماعی - اعتقادی قهرمانان خاص خود را دارد، قهرمان فرهنگی (hero Cultural) نیز از این قاعده مستثنا نیست. در واقع نه تنها اجتماعات ساده ظهور نموده‌های بزرگ اجتماعی خود را با وجود قهرمان فرهنگی تبیین می‌کنند، که اجتماعات پیچیده نیز دارای چنین قهرمانانی هستند که برای مثال ظهور «قوانین اجتماعی» (Social laws) را به قهرمانانی چون موسی و لوکورگوس نسبت می‌دهند (ص ۴۲) در واقع قهرمان فرهنگی دینی نماد تحول اعتقادی مردم و گذر آنان از اعتقاد به موجودات جادویی است. البته در قصه‌های عامیانه در کنار عنصر «جان‌شینی» در ساختار که در آن قهرمان فرهنگی - دینی بر جای قهرمان جادویی می‌نشیند، گاه می‌توان هم‌نشینی عناصر کهن‌تر با عناصر نو را مشاهده نمود.

### منابع و مأخذ:

۱. حسن زاده، علیرضا. افسانه‌ی زندگان (بیست و سه گفتار در بررسی مردم‌شناختی قصه‌های عامیانه ایران افسانه‌های آمریکا). انتشارات بقعه (در دست چاپ)
۲. شاملو، احمد (باهمکاری آیدا سرکیسیان)، کوچه، حرف الف دختر اول، انتشارات مازیار، چ دوم، تهران ۱۳۷۷.
۳. شاملو، احمد. کوچه، حرف الف، دفتر سوم، انتشارات مازیار، چ اول.

۴. کتیرایی، محمود. از خشت تا خشت، نشر ثالث، چ اول، تهران ۱۳۷۸.
۵. رییس نیا، رحیم، کوراوغلو، «افسانه و تاریخ»، انتشارات دنیا، چ سوم، تهران ۱۳۷۷
۶. مسکوب، شاهرخ. هویت ایرانی و زبان فارسی، انتشارات باغ آئینه، چ اول، تهران ۱۳۷۳.
۷. بارند و بیکر. تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه و اقتباس: جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، امیرکبیر، چ اول، تهران ۱۳۵۸
۸. هدایت، صادق، نیرنگستان، انتشارات امیرکبیر، چ اول، تهران ۱۳۴۲.
۹. یانوف، میشل، پرن، میشل. فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه: دکتر اصغر عسکری خانقاه - انتشارات ویس - چ اول.
۱۰. میرشکرایی. مهر و داغ. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور. چ اول
۱۱. همایونفرخ، رکن‌الدین. حافظ خراباتی. چ ۱. بی‌نا. بی‌جا. ۱۳۵۴.
۱۲. تفرشی، منیژه، «آجیل‌ها و رسم‌ها» ماهنامه‌ی چیستا. سال دهم، (شماره ۶ و ۷ و شماره مسلسل ۹۶ و ۹۷) اسفند ۷۱ و فروردین ۷۲.
۱۳. پاینده، محمود. آیین‌ها و یادداشت‌های گیل و دیلم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چ اول. تهران ۱۳۷۷.
۱۴. انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم. فردوسی نامه. ۳ انتشارات علمی. چ ۳. زمستان ۱۳۶۹، تهران.
۱۵. لسان الملک سپهر، ۱۳۷۷. ناسخ التواریخ. انتشارات امیرکبیر - چ اول، تهران ۱۳۷۷